

تعامل رسانه ها با سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مواد مخدر

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

ابراهیم عرفانی^۱

قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه

نادر مصطفایی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه

چکیده

مواد مخدر به کلیه مواد طبیعی و شیمیایی گفته می‌شود که اعتیادآور باشد و مصرف آن‌ها در انسان حالاتی غیرعادی ایجاد کند. این حالات که عموماً لذت بخش هستند، به صورت موقت و کاذب ایجاد می‌شوند. اعتیاد نوعی بیماری مغزی مزمن، پیشرونده و عود کننده است که باعث می‌شود با وجود پیامدهای ناگوار مصرف مواد، فرد معتاد باز هم برای به دست آوردن یا مصرف مواد مخدر خود را به هر دری بزند. اعتیاد به مواد مخدر علاوه بر زیان‌های جدی و خطرناک جسمی و روحی، عوارض و مشکلات فراوان اجتماعی و اقتصادی از قبیل افزایش جرم‌های مرتبط با مواد مخدر مانند جنایت و سرقت، فقر و تکدی‌گری و هدر رفتن سرمایه‌های کلان مادی کشورها و سقوط بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی را نیز به دنبال دارد. یکی از مهمترین ابزارهایی که می‌تواند در پیشگیری و مقابله با شیوع و سوء مصرف مواد مخدر موثر باشد، بکارگیری هوشمندانه و کارآمد رسانه‌های ارتباط جمعی است. بدون برنامه ریزی برای ایجاد یک ارتباط مناسب از طریق رسانه‌ها، پیام‌های پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر به مخاطبان نخواهد رسید و ارتباط گران نیز نخواهند توانست در نگرش‌ها و عقاید مخاطبان خود تغییرات لازم را ایجاد کنند.

واژگان کلیدی: آسیب اجتماعی، رسانه‌های جمعی، مشارکت عمومی، مواد مخدر،

سیاست کیفری

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

اعتیاد، علاوه بر اینکه از نظر فردی و شخصی، بلای خانمانسوز و ویرانگری محسوب می شود، همچون سدی در برابر توسعه ی کشورهای درگیر با مساله اعتیاد قرار دارد. و هر معتاد، می تواند در محیط کار خود، به دلیل پایین بودن کارآمدی، از بهره وری سازمان کاسته، هزینه های هنگفتی را به عنوان هزینه های پیشگیری، درمان، و بازپروری به بودجه ی کشور تحمیل کند. آنان بی آنکه بخواهند و بدانند کمر به نابودی هرچه بیشتر سرمایه های ملی بسته و در برابر توسعه اقتصادی کشور مانع ایجاد می کنند. سوء مصرف و اعتیاد به مواد مخدر یکی از بلاهای بزرگی است که بشر امروزه در همه جای جهان با آن دست به گریبان است. کارتل های بین المللی و باندهای عظیم قاچاق مواد مخدر در همه جای جهان از جمله در نزدیک کشور عزیزمان پایگاه هایی دارند و به تجارت اهریمنی خود که دومین تجارت پر سود دنیاست مشغول هستند. اگر چه مقابله با تجارت غیر قانونی مواد مخدر و اثرات آن چالشی بزرگ برای جامعه جهانی است، جالب است بدانیم که پرسودترین تجارت های امروز دنیای ما تجارت اسلحه و مواد مخدر یعنی کسب و کارهایی برای نابودی بشر است. مسئله اعتیاد در جهان امروز از مسائل مهم اجتماعی است که در بیشتر کشورها به صورت مشکل عمده ای مطرح شده و کشور ما نیز از این آسیب اجتماعی در امان نمانده است و هر روز در گوشه و کنار کشور شاهد قربانی شدن افرادی در دام مواد اعتیادآور هستیم. اعتیاد به مواد مخدر به عنوان جدی ترین مسئله اجتماعی ایران، وجوه مختلف جامعه شناسی، روان شناسی، حقوقی، سیاسی و... دارد. به اعتقاد تحلیل گران اجتماعی، اعتیاد به این مواد، زمینه ساز بروز بسیاری از آسیب ها و انحرافات اجتماعی است؛ برای اثبات این امر تنها کافی است نیم نگاهی به آمارهای مرتبط با مواد مخدر بیندازیم. آمارهای رسمی تکان دهنده حاکی از آن است که در کشور ما مصرف سالیانه مواد مخدر، ۵۰۰ تن است؛ هر دقیقه دو کیلو مواد مخدر کشف و هر ساعت ۳۰ فروشنده مواد مخدر و معتاد دستگیر می شوند؛ سن مصرف دخانیات به ۱۲ سال و میانگین سن معتادان به حدود ۲۰ سال رسیده است. همچنین آمارها نشان می دهند که بیش از ۶۰ درصد جرائم، مرتبط با مواد مخدر بوده و بیش از ۶ میلیون نفر نیز تحت تاثیر این مواد



هستند و روزانه ۸ نفر در اثر مصرف مواد مخدر جان خود را از دست داده و ۷۰ نفر نیز معتاد می شوند.^۱ در سال ۱۳۹۱ حدود ۵۰۰ تن مواد مخدر در کشور کشف^۲ و در شش ماهه نخست ۱۳۹۲، تنها در تهران، ۱۲ تن انواع مواد مخدر کشف شده است.^۳ همچنین هفت استان (به ترتیب سیستان و بلوچستان، فارس، خراسان جنوبی، هرمزگان، یزد، کرمان و خراسان رضوی) رتبه های نخست کشف مواد مخدر بوده و ۸۰ درصد از کشفیات را به خود اختصاص داده اند.^۴ اینها تنها گوشه ای از آمارهای نگران کننده مرتبط با مواد مخدر هستند. از منظر آسیب شناسی، مواد مخدر یک تهدید راهبردی و چندوجهی است که با مقتضیات زمان، یکی از چهره های آن برجسته تر از سایر چهره ها می شود. این تهدید نه تنها امنیت فردی، بلکه امنیت هستی شناختی یا وجودی یک جامعه را نیز مورد تهدید قرار می دهد.^۵ این موضوع در ایران حادتر است؛ زیرا درصد جمعیت جوان در ایران تا حدودی بالاست. در این بین، آمار معتادان جوان رو به افزایش و سن آنان رو به کاهش است. طبقه جوان بیش از میانسالان و سالخوردگان به اعتیاد گرایش یافته اند و متأسفانه مواد مخدر صنعتی، کراک و شیشه، تبدیل به متداول ترین مواد مخدر مورد استفاده آنان شده است.^۶ با وجود مبارزه مستمر با مواد مخدر در ایران، همچنان شیوع آن سریع است. از دلایل بسیار مهم موفقیت کم تلاش های صورت گرفته در زمینه مبارزه با مواد مخدر، شاید آن باشد که در جامعه به مسئله مواد مخدر تنها به عنوان یک جرم نگریسته شده و در مبارزه با آن تنها بر استفاده از نیروی قهریه تاکید شده است. از این رو کمتر سعی شده است تا به این مشکل به عنوان یک مشکل ارتباطی پرداخته شود و راه حل های ارتباطی در این مورد به کار گرفته شوند؛ در حالی که باید گفت کاربرد صحیح وسایل ارتباطی و ایجاد ارتباط مناسب با مخاطبان این رسانه و به خصوص افراد در



۱. پایگاه تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۳۹۳/۱۱/۲۵

۲. سخنان وزیر کشور در دیدار با ورزشکاران، پایگاه خبری تحلیلی «عصر ایران» ۹۲/۱۱/۱۶

۳. پایگاه «اقتصاد آنلاین»، به نقل از رئیس پلیس پایتخت، ۹۲/۷/۱۷

۴. وبگاه جمعیت احیاء انسانی، ۱۳۹۰

۵. مسلمی، ۱۳۸۵، ص ۲۸.

۶. موسوی، ۱۳۸۲، ص ۵۸.

معرض خطر، اهمیت بسیاری دارد. بکارگیری صحیح و هوشمندانه پیام های رسانه های جمعی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در قالب فیلم، سریال های تلویزیونی، انیمیشن، مستند و غیره می تواند در مقابله با شیوع مصرف مواد مخدر در سطح جامعه و بین خانواده ها تاثیرگذار باشد؛ مشروط بر اینکه این پیام های رسانه ای، متناسب با وضعیت سنی، تحصیلی، شغلی و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مخاطبان صورت پذیر و برای هر کدام از اقشار اجتماعی نیز پیام متناسبی طراحی و پخش شود.^۱

بند اول: بررسی مفهوم رسانه

مفهوم رسانه ابزارهایی تکنولوژیکی برای انتشار پیام هستند. معمولاً هم به رسانه های چاپی (روزنامه ها، کتب، مجلات) یا الکترونیکی (رادیو، سی دی ها، فیلم، تلویزیون، اینترنت) تقسیم می شوند. برای مفهوم رسانه می توان بیان داشت که رسانه آزاد مفهومی است که با ظهور تجدد پا به عرصه وجود گذاشت؛ رسانه ای که دنیای مدرن در پی ساختن آن بود. رسانه ای آزاد است که تحت کنترل و قاعد هگذاری ناروا و بیمورد دولت نیست و از تأثیرات منفی اقتصاد بخصوص همچون فشارهای تبلیغاتی اقتصادی و تجاری بخش خصوصی آزاد است. یک رسانه آزاد و مستقل به دنبال اطلاع رسانی به بینندگان، شنوندگان یا خوانندگان خود است؛ اطلاعاتی که آنها را برای ایفای نقش کامل شهروندی در جامعه آماده میسازد. از طرف دیگر ظهور مدرنیته و ورود مفاهیمی چون کنترل و نظارت همواره سبب می شود که دولت به رسانه ها با بدبینی و بدگمانی نظاره کند و از این رو، احتمال مقابله با آنها بسیار زیاد است. وجودی که رسانه آزاد و مستقل برای یک جامعه آزاد امری ضروری است. رسانه آزاد اما خود به محیطی مناسب برای رشد و نمو نیاز دارد.^۲ در نظامهای غربی مردم سالار رسانه ها در تامین امنیت ملی کشور نقش مهم و موثری ایفا می کنند. زیرا وجود نظام رسانه ای مستقل و آزاد، از ابزارها و عناصر تحقق حکومت است.^۳ با پیشرفت های جدید در فرهنگ و

^۱. رضاقلی زاده، ۱۳۹۳، ص ۸۰.

^۲. جلالی، اژیر، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰-۱۰۷.

^۳. عمادی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴-۹۸.

فناوری، مفهوم سنتی رسانه و نیز گونه‌شناسی رسانه تغییر کرده است، و به تدریج از اهمیت مواد به کار رفته در اثر هنری کاسته شده و در مقابل، بر اهمیت سازوکار توزیع افزوده شده است. با انقلاب دیجیتال و ظهور فناوری‌های الکترونیکی و دیجیتالی، حتی الگوی توزیع برهم ریخته است. ارتباط قوی سنتی اثر هنری و رسانه‌اش، به ویژه در هنر مفهومی، شکسته شده و مقوله‌های جدیدی مانند چند رسانه‌ها، هنر تعاملی، هنر شبکه، ایجاد نسخه‌های متفاوت، شبکه‌های توزیع، مخاطبان انبوه در فرهنگ پسادیجیتال و پسانت شکل گرفته است. در زیبایی‌شناسی سنتی رسانه، تأکید بر آفریننده‌ی اثر، محتوا یا موارد و بر خود اثره‌ی هنری بوده است.^۱ رسانه‌ها به عنوان یکی از بازیگران مهم جوامع امروزی با سایر بازیگران دخیل در جامعه در تعامل و در حال تاثیر و تاثرند. نظام سیاسی و حقوقی جامعه بخاطر اهمیت وافر رسانه‌ها همواره تدابیر نظارتی ویژه‌ای برای کنترل آنها تعییبه می‌کند.^۲ بر اساس نظریه رسانه و دیدگاه‌های انتقادی در حوزه رسانه و ارتباطات، رسانه این قدرت را دارد که محتوای خود را تحت تاثیر خواستگاه‌های فرهنگی و هویتی به ویژه ماهیت سکولاری خود قرار دهد و محتواهای دینی را تغییر داده و نتیجه‌ای دور از روح و اندیشه محتوای رسانه ایشده ایجاد نماید.^۳ مفهوم رسانه گاهی به عنوان مواد فیزیکی یا تکنولوژی فراهم آورنده امکان ارتباط در نظر گرفته شده‌اند. مثل دستگاه ضبط صوت یا چاپ، برگه کاغذ و یا حتی مولکول‌های هوا. در این بعد مفهومی، رسانه‌ها عمدتاً نمودهایی از «توسعه تکنولوژیکی در نظر گرفته می‌شوند که مجراها، محدوده‌ها و یا سرعت ارتباطات را گسترش می‌دهند». بعد دیگر مفهوم رسانه، مربوط به سنخ‌شناسی انواع داده‌هایی است که در یک فرایند ارتباطی از طریق رسانه‌ها انتقال می‌یابد. تصویر، صوت و حروف نوشتاری از جمله انواع «کیفیت‌های ارتباطی» محسوب می‌شوند. «کیفیت ارتباطی» در فناوری‌های رسانه‌ای مدرن، در کار تغییر و تبدلات ژانرها دخالت دارند. سومین بعد از مفهوم رسانه، رسانه‌ها را به عنوان نهادی در کنار سایر نهادهای اجتماعی مؤثر در تغییرات مدنی قرار

۱. صابری پور، ۱۳۸۸، ص ۳۶-۲۳.

۲. امیری، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸-۱۳۸.

۳. روشن دل اربطانی، بشیر، پورعزت، حسینی، ۱۳۹۴، ص ۸۶-۶۳.



می‌دهد (نظیر خانواده، آموزش و پرورش، بازار و...) و تأثیرات کلان ارتباطات رسانه‌ای را مدنظر دارد. در این معنا عملکرد رسانه، محصول مناسبات نیروهای کلان اجتماعی است و هم‌زمان، جامعه و خصیصه‌های خرد و کلان آن نیز تحت تأثیر عملکرد رسانه‌های جمعی صورت‌بندی می‌شود.^۱ با پیشرفت‌های جدید در فرهنگ و فناوری، مفهوم سنتی و نیز گونه‌شناسی رسانه تغییر کرده است، با انقلاب دیجیتال و ظهور فناوری الکترونیکی و دیجیتالی، الگوی توزیع به‌هم‌ریخته است و مقوله‌های جدیدی مانند چند رسانه‌ها، ایجاد نسخه‌های متفاوت، مخاطبان انبوه در فرهنگ پسادیجیتال و پسانت شکل گرفته است.^۲

بند دوم: مفهوم سیاست کیفری^۳

از ترکیب دو واژه سیاست و کیفر عبارت مرکب سیاست کیفری^۴ در برخورد تفنیبی با جرائم حاصل شد و به عبارت دیگر سیاست کیفری همان سیاست تفنیبی می‌باشد. سیاست کیفری در چارچوب حقوق کیفری و در محدوده تدابیر و اقدامات دولت و قوای عمومی و قوانین موضوعه است سیاست کیفری واکنش عملی در قبال فعل یا ترک فعلی که بیانگر ضدیت علیه ارزش‌های اساسی متبلور در نظم عمومی است.

بند سوم: مفهوم سیاست جنایی

سیاست جنایی، مجموعه تدابیر متنوع کیفری و غیر کیفری است که دولت و جامعه مدنی به طور مستقل یا با مشارکت یکدیگر (سیاست جنایی مشارکتی)، در برخورد با جرم و انحراف در پیش می‌گیرند بنابراین، حکومت‌ها و دولت‌ها با توجه به مبانی سیاسی، حقوقی، فرهنگی و ارزشی خود، مدل‌های مختلف سیاست جنایی را ترسیم می‌کنند؛ بدین نحو که

^۱ طاهری و حسینی، منبع پیشین، صص ۲۲۸-۲۲۹.

^۲ مانوویچ، ۱۳۸۸، صص ۲۳-۳۶.

^۳ Criminal policy

^۴ گفتنی است منظور از سیاست کیفری در این نوشتار، مجموعه قواعد حقوقی کیفری است که واکنش دولت نسبت به جرائم و مجرمان را سازمان می‌دهد. به عبارت دیگر سیاست کیفری در این معنا، چاره‌اندیشی درباره جرم با کمک کیفر است و این تعبیر با مفهوم سیاست جنایی به معنای سازمان بخشیدن به مبارزه علیه بزهکاری با استفاده از طرق مختلف به صورت یک مجموعه سازمان یافته تدابیر کیفری و غیر کیفری که توسط نهادهای دولتی و غیر دولتی برای پیشگیری از جرم و انحراف اتخاذ می‌گردد، متفاوت است.



در مدل های دولتی سیاست جنایی، پاسخ های دولتی و رسمی به پدیده مجرمانه نسبت به مراجع غیردولتی و جامعه قوی تر است و مراجع دولتی همواره بر جامعه مدنی غلبه دارد و بر این اساس، مدل اقتدارگرا، اقتدارگرای فراگیر و مدل دولتی جامعه مردم سالار (لیبرال) را تشکیل می دهد. در مقابل مدل های دولتی، مدل های جامعه قوی وجود دارند که در آنها نقش نهادهای مدنی و جامعه نسبت به نهاد های رسمی قوی تر و پررنگ تر بوده و گاه جایگزین نهادهای دولتی می شوند به نحوی که مدل جامعه خودگردان و مدل جامعه آزادی مطلق (آنارشیست) شکل می گیرد. در این میان تأثیر مکاتب کیفری و نظریه های نوین جرم شناختی بر تحولات سیاست های جنایی غیر قابل انکار است.^۱

الف: مفهوم مضیق: سیاست کیفری صرف اقدامات سرکوبگرانه در برخورد با جرم می باشد و سیاست جنایی رابطه عموم و خصوص من وجه با سیاست کیفری دارد. البته «سیاست جنایی خود یک رویکرد کلان به پدیده جرم»^۲ می باشد و مفهومی میان رشته ای است که با اقسام تقنینی، اجرایی و قضایی خود سعی در اتخاذ تدابیر علیه پدیده های مجرمانه دارد «در مفهوم مضیق سیاست جنایی را می توان همان سیاست کیفری» دانست.^۳ به عبارت دیگر به نظر می رسد که سیاست جنایی، تدبیر و حکمت تقنینی دولت در مقابل جرم «است. در نگاه مضیق به سیاست جنایی می توان معادل حقوق کیفری یا سیستم کیفری مبتنی بر جرم، مجازات و قانون را یافت»^۴.

ب: مفهوم موسع: سیاست جنایی به تعریف مارک آنسل همراهی «علم مشاهده» و «هنر راهبرد اصولی و نظام یافته واکنش ضد اجتماعی» است.^۵ با این تعریف پی می بریم که سیاست جنایی در مفهوم موسع خود در سطح معادل لغوی یا اصطلاح توصیفی نمانده و معادل حقوق کیفری یا جرم شناسی محدود نمانده و خود دارای مفهومی مستقل و رشته

۱. نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، صص ۲۰۵ - ۲۷۱.

۲. نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۲.

۳. مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۳۵.

۴. باصری، ۱۳۸۶، ص ۲۸.

۵. آنس، ۱۳۷۵، ص ۵۱.





مطالعاتی نوبنی شناخته می‌شود. سیاست جنایی در عمل یعنی یک استراتژی همه جانبه و بررسی وقایع از نظر قانونی قضایی، اداری و اجرائی با تجربه های انجام شده و نتایج بدست آمده که با سنجش و مطالعه و پایش واکنش اجتماعی مناسب علیه بزهکاری را تجویز می‌کند. سیاست جنایی موسع نه یک رشته علمی بلکه یک پدیده جامعه نگر است چرا که هر اجتماع انسانی به محض تشکیف علیه بزهکاری که موجودیتش را تهدید می‌کند واکنش خاص خود را اتخاذ می‌کند. البته به نظر « کریستین لازرژ»^۱ سیاست جنایی با مفهوم موسع به معنای زیر است: « غور و تفحص منتقدانه و ریشه یابی پیرامون پدیده مجرمانه، رمزیابی پدیده مجرمانه و وسایل به کار گرفته شده برای مبارزه علیه رفتارهای انحرافی یا مجرمانه و نیز یک استراتژی حقوقی و اجتماعی مبتنی بر مبانی برگزیده ایدئولوژیک با هدف پاسخ دهی واقع گرایانه به پیشگیری و سرکوبی پدیده مجرمانه به معانی وسیع کلمه».^۲ در مفهوم موسع از سیاست جنایی ارتباط معناداری بین سیاست کیفری و جنایی وجود ندارد و تنها می‌توان گفت که سیاست کیفری یا همان مجازات های وضع شده بوسیله قوانین و مقررات موضوعه یک ابزار از ابزارهای متعدد و متنوع سیاست جنایی است.

بند چهارم: مفهوم مواد مخدر

الف: مواد مخدر در لغت: مخدر: تخدیر کننده، هر آنچه که باعث ایجاد تغییر غیر طبیعی در عملکرد دستگاه عصبی مرکزی شود. مواد مخدر به آن دسته از ترکیبات شیمیایی گفته می‌شود که مصرف آنها باعث دگرگونی در سطح هوشیاری و عملکرد مغز شود. مخدرات یا مخدر از کلمه (الخدر) گرفته شده که بمعنای ضعیف سستی، نرمی و ناتوانی است همچنان به معنای سردی نیز آمده، در مجموع معنای ترس، کندی، حیرانی، تردد، تنبلی، بی‌غیرتی و بی‌همتی را در بر می‌گیرد و همه این صفات در شخص معتاد به مواد مخدر و هر نشه کننده دیگرچه جامد و چه مایع باشد، پیداست.^۳

^۱. لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۰.

^۲. حسینی، ۱۳۸۳، ص ۳۳.

^۳ دهخدا، ۱۳۵۲، ص ۶۲۴.

ب: مواد مخدر در اصطلاح: براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی «دارو یا ماده مخدر در مفهوم کلی آن، هر ماده یا ترکیبی از چند ماده شیمیایی است که از جمله مواد مورد نیاز بدن برای بقاء سالم به شمار نرفته و مصرف آنها احتمال تغییری در کاربرد بیولوژیکی و حتی ساخت بیولوژیکی بدن را مطرح می سازد.»^۱ درباره‌ی مواد مخدر تعاریفات زیادی آمده از جمله "هر مواد خام یا ساخته شده که دارای عناصر تحریک کننده یا تسکین دهنده که در غیر موارد طبی یا صنعتی بکار برده شود و مصرف آنها باعث معتاد شدن و دگرگونی در سطح هوشیاری مغز شود. مثل حالت سرخوشی و لذت، خواب آلودگی و سستی. و ضررهایش بالای فرد و جامعه چه از نگاه جسمی یا روحی ویا اجتماعی ظاهر گردد، مواد مخدر گفته می شود".^۲ این تعریف همه انواع و اقسام مواد مخدر موجوده را در عصر حاضر و آنچه در آینده کشف شود، در بر می گیرد.^۲ اصطلاحاً مواد مخدر به کلیه‌ی مواد طبیعی و شیمیایی گفته می‌شود که اعتیادآور باشد و مصرف آنها در انسان حالاتی غیرعادی ایجاد کند. این حالات که عموماً لذت بخش هستند، به صورت موقت و کاذب ایجاد می‌شوند اعتیاد نوعی بیماری مغزی مزمن، پیشرونده و عود کننده است که باعث می‌شود با وجود پی آمدهای ناگوار مصرف مواد، فرد معتاد باز هم برای به دست آوردن یا مصرف مواد مخدر خود را به هر دری بزند. اعتیاد از آن جهت بیماری محسوب می‌شود که مصرف مواد مخدر، ساختار مغز و نحوه فعالیت آن را تغییر می‌دهد. تغییراتی که بر اثر مصرف مواد مخدر در مغز انسان به وجود می‌آید ممکن است پایدار و بلند مدت باشد و به ایجاد رفتارهایی زینبار در کسانی که مواد مخدر مصرف می‌کنند منجر شود. اعتیاد کاملاً شبیه به سایر بیماری‌های مزمن همچون بیماری قلبی و یا دیابت است. چراکه در هر دوی این بیماری‌ها فعالیت عادی و سالم یکی از اندام‌های بدن مختل شده و پی‌آمدهای زینباری به همراه می‌آورد. باید توجه داشت که این بیماری‌ها قابل پیشگیری و قابل درمان هستند، ولی چنانچه اقدامی هر چه سریع تر در مورد آنها صورت

^۱ اسعدی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲.

^۲ اسعدی، ماخذ پیشین، ص ۱۹۵.





نگیرد تا پایان عمر ادامه پیدا خواهند کرد^۱. قاضی محمد حسن حقیار عالم دینی کشور در مورد حکم مواد مخدر از دیدگاه اسلام میگوید که دین مبین اسلام انسان را به همه خوبی‌ها و استفاده از هر آنچیزیکه مفید تمام میشود امر نموده و از هر آن چیزی که زیان آور است منع می‌نماید قسمیکه در حدیث شریف آمده: (به خود و دیگران زیان مرسان) به همین منظور استفاده از مواد مخدر را دین اسلام حرام قرار داده است چون باعث ضرر جسمی و مفساد زیادی می‌شود، و همانطوریکه شراب و سایر مواد نشه آور ضررهای بی شماری دارد مواد مخدر نیز باهمه انواع و اقسامش خساره‌های جانی، مالی، اجتماعی و اخلاقی را در پی دارد، زیرا علت و انگیزه در بین هر دویکی می‌باشد.^۲

بخش دوم: عملکرد رسانه‌ها در زمینه اعتیاد

رسانه‌ها موقعیت خاصی در ارتقای بینش عمومی و تدارک محیطی حمایت‌گر در مقابله با اعتیاد دارند؛ منبع مهم اطلاعات درباره مواد مخدر و تاثیرات آن بویژه از نظر بهداشتی محسوب می‌شوند؛ این قابلیت را دارند که توجه عموم را به موضوعاتی از حوزه بهداشت که مورد تایید سیاست‌گذاران نیست جلب کنند؛ حمایت‌های لازم را برای اقدامات سیاسی فراهم آوردند؛ با نقل گفته‌های مسئولان، نقش یک فرد آگاه را درباره موضوعات مختلف مانند اعتیاد ایفا کنند و با اطلاع‌رسانی پیرامون تصمیمات مهم، نقش اساسی در توسعه سیاسی داشته باشند.^۳

بند اول: عملکرد رسانه‌ها در مبارزه با اعتیاد

مدت‌هاست که رسانه‌ها برای کاهش مصرف مواد مخدر، پیکار می‌کنند. این مبارزات در ایالات متحده رایج است و موافق هم به نظر می‌رسد.^۴ ادبیات ضد مواد مخدری آمریکا در سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۲۰، مواد مخدر را «عامل اصلی انحرافات اجتماعی و ناکامی‌های مادی و معنوی»، «بخشی از دسیسه‌ها» و «مرتبط با گروه‌های اقلیت و برون‌گروه‌های اجتماعی

^۱ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ص ۳۰۳.

^۲ صادقی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۶.

^۳ Hathaway & Erickson, 2007.

^۴ حمزه لی، ۱۳۸۷، ص ۳۴.

گونگون» می خواند و بر خودسازی و پاکسازی جامعه تاکید می کرد تا اینکه در دهه ۱۹۲۰، با همکاری «ریچموند پی. هابسون»^۱، نماینده سابق کنگره و امپراطوری رسانه ای «ویلیام رندلف هرست»^۲ اعتیاد در اولویت رسانه ها قرار گرفت. در اولین ماه، مجموعه مقالات اگزمینر^۳ به تشریح این موضوع پرداخت که عادت اعتیاد، ۲۰ سال قبل به دنیای تبهکاران محدود بود؛ در حالی که امروز خزیده تا به آستانه در خانه ها رسیده است. این مجموعه مقالات دنباله دار، هر روز در صفحه اول به چاپ می رسیدند و قاچاق مواد مخدر را با ماجرای «طاعون خیارکی»^۴ سال های قبل سانفرانسیسکو مقایسه می کردند. رمز موفقیت کنترل طاعون این بود که «موش ها را تعقیب کن»- که استعاره از دستفروشان مواد مخدر بود. «آنها را هر جا که پنهان شده اند، جستجو کن» و «بدون هیچ ترحمی، نشان بده». مقالات اگزمینر نیز در ژانویه ۱۹۲۳ تمرکز خود را بر قربانیان نوجوان باندهای مواد مخدر نهادند. به تدریج موضوع اعتیاد در اولویت سیاست هم قرار گرفت؛ رئیس جمهور، بر لزوم تلاش ملی جهت پاکسازی کشور از لوٹ وجود این بلا تاکید کرد و گفت «فقط به مواد مخدر، نه بگوئید»^۵ همچنین طی سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۱ که مدافعان کنترل دخانیات بر کاهش استعمال سیگار بین گروه های در معرض خطر مصرف کننده دخانیات تمرکز کردند، اولویت خویش را اختصاص بودجه ای برای برنامه های وسیع دولت در کنترل دخانیات قرار دارند؛ انجمن های کنترل دخانیات، به کاهش زیان از طریق کنترل محموله های جدید نیکوتین پرداختند و مالیات های غیرمستقیم بر دخانیات از سوی دولت افزایش یافت. مطبوعات هم با سیاست های مبارزه با دخانیات همراه شدند و به پوشش دیدگاه های سیاسی مخالف دخانیات پرداختند. موضوع «ممنوعیت سیگارهای مستعمل و استعمال سیگار» به بیشترین پوشش دست پیدا کرد.^۶



1. Richmond P.Hobson.

2. William Randolph Hearst.

3. Examiner.

4. Creeping Johnny.

5. Speaker,2007.

6. Smith ,et al,2007.



بند دوم: عملکرد رسانه‌ها در پیشگیری از اعتیاد

از ابتدای قرن بیستم، جهان شاهد استفاده از تاکتیک‌های ترساندن افراد در فعالیت‌های پیش‌گیری بود. مطالعات انجام شده در کشورهای غربی نشان داد اقدامات پیش‌گیری که بیش از حد عواقب منفی سو مصرف مواد مخدر تاکید می‌کنند، اعتماد جمعیت هدف را سلب نموده‌اند.^۱ نتایج مطالعات مختلف حاکی است ایجاد هراس در مردم با وجود امکان موقعیت‌های کوتاه مدت، احتمالاً در دراز مدت، نتایج معکوسی به بار می‌آورد.^۲ مطبوعات و سایر سازمان‌های ارتباطی، بارها در آموزش و اطلاع‌رسانی پیرامون اعتیاد، عملکرد موفقیت‌آمیز هم داشته‌اند. مبارزه رسانه‌ای در مورد خطرهای سو مصرف مواد مخدر، که سازمان «مشارکت برای آمریکایی‌سازی از مواد مخدر»^۳ اجرا کرد، تبلیغات مطبوعاتی و مجموعه برنامه‌های تلویزیونی به پخش تصویر یک تخم مرغ نیمرو در ماهی تابه‌ای پرداختند که این پیام در کنار آن به چشم می‌خورد: «این مغز شما تحت تاثیر مواد مخدر است».^۴ حتی کودکان (۷ تا ۱۲ سال) که در مرکز شهرها زندگی می‌کنند تحت تاثیر پیام‌ها قرار گرفتند و به طور آشکاری از خطر مصرف این مواد آگاهی یافتند.^۵

بند سوم: الگوی بسیج رسانه‌ها و جامعه در پیشگیری از اعتیاد

طبق تحقیقات، سودمندی برنامه‌های پیش‌گیری مواد مخدر، به هماهنگی اهداف، راهبردها و اصول بستگی دارد. این برنامه‌ها می‌توانند مهارت‌هایی را جهت برقراری انضباط، ثبات و ارتباطات در خانواده، آموزش دهند و می‌کوشند از مشکلات ناشی از سو مصرف مواد، جلوگیری کنند. یکی از بهترین راه‌های حل این مشکل، گسترش مسئولیت مدنی (مسئولیت در برابر رفاه کشور) در این برنامه‌هاست.^۶

1. Myrzi, 2007.

2. سورین و تانکاراد، 1381، ص 251.

3. Partnership for a Drug-Free America.

4. هاوکینز و دیگران، 1382، ص 225.

5. رومر، 1385، ص 57-58.

6. Stonkute, 2007.

بخش سوم: نقش رسانه در مقابله با سوء مصرف مواد مخدر

مسئله اعتیاد در جهان امروز از مسائل مهم اجتماعی است که در بیشتر کشورها به صورت مشکل عمده ای مطرح شده و کشور ما نیز از این آسیب اجتماعی در امان نمانده است و هر روز در گوشه و کنار کشور شاهد قربانی شدن افرادی در دام مواد اعتیادآور هستیم. اعتیاد به مواد مخدر به عنوان جدی ترین مسئله اجتماعی ایران، وجوه مختلف جامعه شناسی، روان شناسی، حقوقی، سیاسی و... دارد.

بند اول: رسانه و کارکرد های آن

امیل دورکیم^۱ با نگاهی کارکردی به جامعه و تشبیه آن به ارگانیزم موجود زنده، ضمن تاکید بر نظم و انسجام اجتماعی، بر اهمیت ارتباط در فرایند حفظ و تحول جامعه و نقشی که این ارتباط در تولید و بازتولید اجتماع و توافق در مورد مسائل و حفظ تعادل در جامعه ایفا می کند، اشاره دارد. بنابراین، تجزیه و تحلیل کارکرد رسانه های جمعی بر نقش رسانه ها در حفظ نظم و ساختار اجتماعی تمرکز دارد و به بررسی این امر می پردازد که رسانه ها چگونه برای حفظ تعادل در جامعه، نقش های معینی را انجام می دهند.^۲ هارولد لاسول^۳، محقق آمریکایی حوزه ارتباطات، نخستین کسی است که به تعریف و طبقه بندی دقیق نقش های اجتماعی ارتباطات جمعی پرداخته و در مقابله با عنوان ساخت و کارکرد ارتباط در جامعه که در سال ۱۹۴۸ منتشر شده است، سه کارکرد با هدف اساسی برای وسایل یا سازمان ها ارتباط جمعی در کلیه جوامع ذکر کرده است.^۴

بند دوم: رسانه و پیشگیری از مصرف مواد مخدر

استفاده از رسانه برای پیشگیری اولیه از اعتیاد ضروری و بدیهی است، اما همه چیز را نباید از رسانه انتظار داشت. رویکردهای نوین در تبیین سبب شناختی مصرف مواد، به عوامل مؤثر در پیدایش و یا پیشگیری از اعتیاد به گونه منفرد نمی نگرند، بلکه بر ارتباط آنها با یکدیگر تأکید

1. Durkheim

۲. مهدی زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۶.

3. Lasswell

۴. ساروخانی، ۱۳۸۲، ص ۴۸.





دارند و می‌کوشند تا به یک الگوی نظری جامع دست یابند. در این بین، نظریه‌پردازان و محققان رسانه در تلاش خود برای تبیین روابط میان رسانه‌های جمعی و عوامل خطر و حفاظت‌کننده، نظریه‌های متعددی را بیان کرده‌اند. در این بین عده‌ای معتقدند که رسانه‌ها، در برخی موارد عامل مخاطره‌انگیز در زمینه سوء مصرف مواد هستند؛ زیرا بخشی از رسانه‌های جمعی با تبلیغ آشکار و پنهان پیام‌های مصرف و نمایش فیلم‌های مصرف سیگار و الکل و مواد، اثرات منفی روی جوانان دارند. ولی بیشتر صاحب‌نظران معتقدند رسانه‌ها می‌توانند ابزار قدرتمندی برای آموزش گسترده‌ای از مهارت‌های اجتماعی و شناختی باشند. برخلاف اغلب انتظارات، خود رسانه مهم‌ترین نقش را در پیشگیری دارد، بلکه قوی‌ترین تأثیرات در اغلب مواقع به نحوه ارتباطات بین خانواده و گروه‌ها برمی‌گردد. برای موفقیت در این مسیر، رسانه‌ها غیر از اجرای مستقیم برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد باید به کمک سایر نهادهای اجتماعی بیشترین کوشش خود را در زمینه تقویت مهارت‌ها و ارتباط مؤثر والدین و فرزندان بگذرانند و تمرکز رسانه باید بر عوامل عمده تأثیرگذار باشد. نقش و تأثیر رسانه در برخی از این موارد مستقیم و حیاتی و در برخی موارد، غیرمستقیم و جنبی است.^۱ در بحث پیشگیری از سوء مصرف مواد از طریق رسانه‌ها، مخاطب‌شناسی حائز اهمیت فراوانی است. یکی از چالش‌های عمده در این زمینه، طبقه‌بندی صحیح مخاطبان و ارائه پیام‌های مناسب در زمینه سوء مصرف مواد مخدر به آنهاست. تغییر رفتار یک فرآیند پیچیده است و عرصه پیام اولین گام در این راه است و به طور کلی برنامه‌های رسانه‌ای می‌توانند عقاید را تغییر و انگیزه را تحت تأثیر قرار دهند؛ ولی آنچه را که نمی‌توانند انجام دهند یک تغییر بلندمدت در رفتار آنهاست. بنابراین، برای این کار نیاز به کاربردهای متنوع پیشگیری است.^۲

بند سوم: رسانه و مشارکت اجتماعی

مشارکت مردم در مسائل اجتماعی و از جمله بحث اعتیاد، از ضرورت‌های جامعه ماست. امروزه در تمامی جوامع هر اقدام و برنامه اجتماعی و اثربخش، متکی به مشارکت مردم است.

^۱. رضاقلی زاده، منبع پیشین.

^۲. کمالی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۲.

این مشارکت و اثربخشی در تمامی مراحل یعنی تعیین اهداف، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا می‌باشد و شهروندان با آگاهی کامل از فرایند مشارکت به همکاری و همیاری می‌پردازند. بنابراین، مشارکت در موضوعات حیاتی جامعه چون مبارزه با مواد مخدر همواره وجود دارد؛ البته سطوح این مشارکت در جوامع مختلف متفاوت است. برای ایجاد مشارکت، لوازم گوناگونی مورد نیاز است که از جمله این ابزارها می‌توان به موضوع و محمل خاص براس مشارکت، کارگزاران و متولیان مشارکت، شهروندان و کانال‌های اتصال بین کارگزاران و شهروندان اشاره کرد. به این ترتیب، رسانه‌های جمعی در بحث مشارکت و پیشگیری از اعتیاد می‌توانند اولاً موضوع را برای مخاطبان خود برجسته و از اهمیت خاص برخوردار نمایند. رسانه‌ها با وارد شدن به عرصه مبارزه با اعتیاد و نشان دادن اولویت‌ها، افکار عمومی را به موضوع کاملاً حساس کنند؛ به این ترتیب یک اتفاق نظر درباره اهمیت موضوع و مقابله با آن شکل می‌گیرد. دومین موضوعی که رسانه‌ها در بحث پیشگیری از اعتیاد می‌توانند کمک کنند، مشارکت در امور است. مشارکت موضوعی نیست که شهروندان بتوانند بدون هماهنگی در آن شرکت کنند، بلکه باید بین شهروندان و کارگزاران ارتباط برقرار شود و رسانه بهترین وسیله ارتباطی در این راستا است. در جهان سوم و کشورهای در حال توسعه که نهادهای دیگر همچون سازمان‌های غیردولتی قدرت لازم را ندارند، نقش رابط رسانه‌ها، چند برابر شده است. موضوع دیگر، آموزش مشارکت است. آموزش مشارکت از موضوعاتی است که در کشورهای در حال توسعه، آموزش شهروندان درباره مؤلفه‌های مشارکت، فواید و معایب آن، نحوه تعامل با سایر شهروندان، نحوه هماهنگی با سازمان‌های مربوطه از مواردی هستند که رسانه‌ها در آموزش خود به آن توجه لازم را باید داشت باشند و بدون این آموزش‌ها، مشارکت تداوم نخواهد داشت. چهارمین موضوع، نحوه اجرای مشارکت به شهروندان است. شهروندانی که هر کدام وظایف خاصی را به عهده دارند و باید اعمال خاصی را انجام دهند. در مشارکت گسترده، این رسانه‌ها هستند که می‌توانند نقش تفویض وظایف را به عهده داشته باشند و به جای حضور دستگاه‌های عریض و طویل، آنها می‌توانند وظایف شهروندان در مشارکت را مشخص سازند. موضوع بعدی، تداوم آموزش و مشارکت است. رسانه می‌تواند



در این خصوص با ایجاد انگیزه در شهروندان و برجسته کردن اهمیت موضوع، کمک بسیاری در این زمینه ایفا کند. برای تداوم مشارکت رسانه‌ها باید سازوکاری را اتخاذ کنند که شهروندان پس از اتمام مشارکت در سک سوژه، دلائل و انگیزه لازم برای مشارکت در امور دیگر را نیز داشته باشند.^۱

بند چهارم: رسانه و کارکرد آگاه‌سازی در پیشگیری از اعتیاد

رسانه می‌تواند هم در بحث تبلیغات و هم در بخش خبر و اطلاع‌رسانی نقش مهمی در پیشگیری از اعتیاد داشته باشد. رسالت آنان انتقال سریع و آگاهی‌بخش اخبار و وقایع دنیای ماست.^۲ یکی از علل عمده در بحث گرایش، بی‌اطلاعی از پیامدها و وقایع تلخ مصرف مواد مخدر است. رسانه می‌تواند ضمن اطلاع‌رسانی دقیق و منطبق بر واقعیت، جامعه را از نتایج تلخ آن آگاه کند. اطلاع‌رسانی از اوضاع و احوال افراد آلوده و آثار و پیامدهای آن می‌تواند در این حوزه بسیار مؤثر باشد. آثار و کارکرد خبری رسانه می‌تواند در موارد زیر به پیشگیری از اعتیاد کمک کند:

- اطلاع‌رسانی از باندهای توزیع موارد مخدر و شیوه‌ها و رویکردهای آنان در قالب گزارش خبری، مصاحبه، گزارش‌های مستند؛
 - اطلاع‌رسانی از آثار و پیامدهای اعتیاد در جامعه (اعم از فرد و جامعه)، تهیه و پخش گزارش‌های خبری،
 - کمک به تقویت اراده ملی برای حل معضل اعتیاد؛
 - ارائه آمار و اخبار روزانه از اوضاع و احوال نکبت‌بار افراد معتاد.
- هرچند کارکرد آگاه‌سازی رسانه با مقوله آموزشی از یک طرف و مقوله خبررسانی از طرف دیگر ارتباط نزدیک دارد، اما هر کدام دارای وظایف خاص و متمایزی هستند. وسائل ارتباط جمعی باید نه تنها به انتقال خبر و اطلاع، بلکه درست اخبار و تشریح واقعیت آن بپردازند. تحلیل علمی پدیده‌های اجتماعی و آگاه‌سازی انسان‌ها از این علل، موجبات تغییر در

^۱. اردستانی، ۱۳۸۹، ص ۴۸.

^۲. ساروخانی، منبع پیشین.



جهانبینی افراد را فراهم می‌آورد.^۱ بنابراین، جلب مشارکت عمومی در خصوص پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با آن مستلزم یک فرآیند ارتباطی است و اولین اصل در این بخش، «آگاهی» است. رسانه‌ها برای جلب مشارکت مخاطبان خود باید درباره محمل و موضوع، آگاهی‌های لازم را در اختیار شهروندان قرار دهند تا با موضوع کاملاً آشنا شوند. ناآگاهی شهروندان در این بخش آثار و پیامدهایی دارد از جمله آنها می‌توان به وجود ابهام، کاهش اعتیاد و اطمینان آنها به موضوع و تشریح و توصیف سلیقه‌ای موضوع اشاره کرد.^۲ در صورت حاکمیت این فضا، امر پیشگیری در مراحل بعدی با دشواری روبرو خواهد بود. ایجاد یک حرکت عمومی در برابر مصرف مواد مخدر و بهره‌گیری از توانایی‌های مردمی در این زمینه قبل از هر چیز نیازمند ایجاد افکار عمومی قوی حول آن است که از این طریق یک مسئله اجتماعی به مسئله شخصی افراد تبدیل شود و به مشارکت در ملاحظه اجتماعی بینجامد.^۳ با این اوصاف، به نظر می‌رسد تقویت افکار عمومی و آگاهی‌بخشی آنها از موضوع برای مداخله اجتماعی در بحث اعتیاد یکی از ملزومات اصلی در پیشگیری از اعتیاد می‌باشد و این کار تنها از عهده رسانه‌های جمعی برمی‌آید.

بند پنجم: رسانه و کارکرد آموزشی و سرگرمی در پیشگیری از اعتیاد

چنانچه وسائل ارتباط جمعی به درستی کار کنند، همچون مدرسه‌ای بزرگ بر تمامی حساسات انسانی پرتو می‌افکند؛ البته کارشناسان حتی تأثیر رسانه را در بعد آموزشی فراتر از مدرسه می‌دانند؛ زیرا مدرسه دارای محدودیت زمانی و مکانی است اما رسانه‌ها اسن محدودیت را ندارند. رسانه به دلیل نداشتن ابزارهای لازم برای ارائه دانش، نقش مهمی در آموزش دارد. امروزه رسانه‌ها می‌توانند با توجه به آثار و پیامدهای خطرناک اعتیاد در قالب‌های مختلف، مردم و خانواده‌ها را آموزش دهند تا از گرایش به مواد مخدر و اعتیاد دور شوند. وسائل

^۱. ساروخانی، منبع پیشین.

^۲. اردستانی، منبع پیشین.

^۳. هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۴۷.





ارتباط جمعی بزرگترین سهم را در راه انتقال آموزش‌ها به افراد به عهده دارند و تعالی فرهنگ انسانی را موجب شده‌اند.^۱ در این بخش رسانه می‌تواند به دو شیوه کمک کند:

۱. آموزش مستقیم: در این شیوه همچون یک کلاس آموزشی، به شهروندان بیاموزند که عتیاد چیست؟ آثار و پیامد آن کدامند؟ برای مقابله با آن چگونه می‌توان مشارکت مردم را جلب کرد؟ مشارکت عمومی چه نتایج مثبتی در زندگی اجتماعی دارد؟ امروزه در تمامی حوزه‌های اجتماع می‌توان مشارکت داشت؛ رسانه می‌تواند با آموزش کافی مشارکت شهروندان را در حوزه اعتیاد برای آنها روشن و تبیین نماید تا شهروندان بتوانند بهترین تصمیم را باری مشارکت اتخاذ کنند.^۲

۲. آموزش غیرمستقیم: (در قالب سرگرمی، اطلاع‌رسانی و تبلیغی و ...) امروزه بیشترین شیوه اثرگذار، همین آموزش‌های غیرمستقیم است که از طریق ترغیب و امتناع صورت می‌گیرد. استفاده از فیلم، سریال، مسابقات و سرگرمی بهترین شیوه برای آشنایی و آموزش خانواده‌ها در خصوص اعتیاد و آثار و پیامدهای آن است.

کارشناسان بر این باورند که وسائل ارتباط جمعی به طور معمول با زمان فراغت انسان سروکار دارند. از این رو در مواردی باید موجبات جدایی موقت از واقعیت، فراموشی لحظات دشوار زندگی، تمدد اعصاب و سرگرمی انسان‌ها را فراهم سازد. مواد مخدر به عنوان عواملی که آرزوها را می‌کشد، در بستر تفریحات شکل می‌گیرد. عنی به دلیل اوقات فراغت زیاد و نبود امکانات تفریحی و رفاهی، افراد به سمت مواد مخدر گرایش پیدا می‌کنند.^۳ رسانه‌ها به ویژه رادیو و تلویزیون نقش مهمی در پر کردن اوقات فراغت جوانان دارند. در یکبررسی عملی مشخص شده بود که مردم بیش از ۸۵ درصد اوقات فراغت خود را در ایران با رادیو و تلویزیون سپری می‌کنند. رادیو و تلویزیون می‌توانند در زمینه پیشگیری از مواد مخدر کمک فراوان کنند از جمله:

^۱. ساروخانی، منبع پیشین.

^۲. معتمد نژاد، ۱۳۷۱، ص ۸۴.

^۳. اوپورون، ۱۳۷۸، ص ۱۴۲.

- برای اوقات فراغت مردم برنامه داشته باشند؛
- کمک به فراموشی لحظات دشوار زندگی که نقش مهمی در گرایش به موارد مخدر دارد و،
- گذر زمان باید با بهره‌گیری از مقولات و عناصر فرهنگی باشد. نقش بزرگی در پیشگیری از مصرف مواد مخدر دارد. زیرا در این برنامه‌های فرهنگی، آثار و پیامدهای سوء مصرف مواد در حوزه‌های اجتماعی تبیین می‌شود.

بخش چهارم: سیاست کیفری حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران

قانونگذار ایران در قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه سال ۱۳۸۹ آن، همواره با تعیین مجازات‌های نامتناسب و سنگین بالاخص اعدام و حبس ابد، سیاست جنایی مبتنی بر سرکوب و کیفر را محور خود قرار داده است اما این سیاست جنایی چندان مورد اقبال سیاست جنایی قضایی (رویکرد دستگاه قضا) قرار نگرفته است. سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر اساساً بر محور پاسخ‌های دولتی اعم از کیفری و غیر کیفری می‌چرخد ولی در قسمت پاسخ‌های غیر کیفری ناظر بر پیشگیری و درمان، نقش ارگان‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد محسوس است.

بند اول: بررسی و تحلیل سیاست‌های کیفری

سیاست کیفری ایران در برخورد با قاچاق مواد مخدر، عملاً بیشتر معطوف به برخورد با افراد حاشیه‌ای بوده است و افراد اصلی در معرض تعقیب نبوده‌اند. عدم دسترسی به افراد اصلی، به علت سازمان یافته بودن جرم قاچاق مواد مخدر است. عاملان اصلی برای قاچاق از دور برنامه‌ریزی می‌کنند و افراد ضعیف و آسیب‌پذیر را وارد میدان می‌کنند بنابراین شرایط مبارزه با مواد مخدر عملاً به مبارزه با لایه‌های پایین سازمان قاچاق مواد مخدر محدود می‌شود.^۱ با این‌که در اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق مواد ۱۸ و ۳۵ به قانون مذکور از طریق اعمال مجازات شدید تر (اعدام و حبس ابد) برای کسانی که این جرایم را از طریق اشخاص دیگری مرتکب می‌شوند یا فعالیت‌های مجرمانه را سازماندهی و پشتیبانی مالی می‌

^۱ رحمدل، ۱۳۸۶، ص ۸۲.





کنند تا حدی این خلاء تقنینی رفع شده است ولی مشکل دسترسی به عوامل اصلی یا سرکردگان این جرایم، تعقیب آنها از نظر قضایی و بالاخره عدم تعادل و تناسب مجازات‌ها بالاخص در مورد افراد خرده پا کماکان باقی است. «قانونگذار بعد از انقلاب هر جا که به تصورش با مشکل تعیین مجازات اعدام مواجه بوده است به صبغه مذهبی متوسل شده و به عبارتی از قبیل مفسد فی الارض یا محارب تمسک جسته است... تعیین مجازات اعدام با توجه به اصل ۹ قانون اساسی با تردید اساسی مواجه است چون طبق اصل مزبور حتی به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور نمی توان حقوق و آزادی های مشروع افراد را سلب نمود.»^۱

اگر این نظریه (بازدارندگی مجازات اعدام) کارایی داشت می بایست تحمیل مجازات های سنگین به مجرمان، مانع تکرار جرم می شد و کسانی که به مجازات های خفیف تری محکوم می شوند نرخ تکرار جرم در میان آنها بیشتر می شد. تحقیقاتی که در انگلستان صورت گرفته است خلاف این ادعا را نشان می دهد.^۲ در باب مجازات های اسلامی نیز این یک اصل است که مجازات باید با جرم تناسب داشته باشد اما چون ملاک عقوبت های اسلامی متنوع است از نظر میزان مجازات، بر خلاف حدود، کمیت مجازات تعزیری به صلاحدید حاکم بایستی متناسب با جرم و حال بزهکار باشد. البته قبل از آنکه مجازات را با شدت جرم یا شخصیت مجرم متناسب کنیم باید تطابق آن با کرامت انسانی تایید شود. سودانگاری و نیز سزادی از نوعی افراطی آن به مجازات هایی می انجامد که با شان و کرامت انسانی مغایر است.^۳ با قبول اصل تناسب نه تنها می توان به اجرای عدالت اسحقاقی امیدوار بود بلکه به لحاظ فایده گرایی نیز فواید زیادی برای اجتماع خواهد داشت. از جنبه عملی نیز مجازات شدیدتری از استحقاق،

۱. رحمدل، ۱۳۸۳، ص ۷۰.

۲. در مورد حدی یا تعزیری بودن مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر اختلاف نظر وجود دارد. طاهرا واضعان این مجازات به عنوان افساد فی الارض متوسل می شوند و احتمالا بدین دلیل در درجه بندی مجازات ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، اعدام جز مجازات های تعزیری نیامده است ولی با توجه به منصوص نبودن مجازات اعدام به عنوان حد در منابع شرعی و توصیف مجرمانه مستقل جرم افساد فی الارض در قانون اخیر، به نظر می رسد جز در موارد ارتکاب گسترده جرایم مواد مخدر با نتایج گسترده نمی توان به ارتکاب جرایم مواد مخدر به صورت موردی، وصف افساد فی الارض داد لذا به نظر می رسد که مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر صیغه تعزیری (حکومتی) دارد.

۳. کاوادینو و دیگنان، ۱۳۸۹، ص ۵۳.

۴. نوبهار، ۱۳۸۰، ص ۳۲۶.

عواقبی نظیر افزایش گذشت ضابطان و قضاوت، بی تأثیری مجازات، تغییر شکل جرم، ارتکاب جرایم دیگر برای فرار از آن توسط مجرم و در برخی موارد ارزش یافتن ارتكابی را به همراه خواهد داشت.^۱ یکی از توجیهاات اساسی مجازات، عادلانه بودن آن است و این مهم جز از طریق برقراری تناسب مجازات با جرم که از شوونات قانونگذار تلقی می شود مسیر و ممکن نخواهد بود. معلوم است نیست قانونگذار ایران چگونه و با چه توجیهی برای جرایمخرد مواد مخدر که توسط افراد پایین دست واقع می شوند مجازات سنگینی مثل اعدام یا حبس ابد وضع نموده است؟ بنابراین تردیدی باقی نمی ماند که قانون گذار ایران با وضع مجازات های شدید در مورد جرایم موادمخدر به لحاظ عدم رعایت اصل تناسب، غیرعادلانه و فراتر از حد استحقاق عمل نموده است. یکی از مولفه های جرم انگاری، همسویی مجازات جرم با میزان قبح اجتماعی آن می باشد تا اینکه عادلانه بودن مجازات و تناسب آن با جرم توجیه گردد. چه بسا مجازات های ناهماهنگ با افکار عمومی، مورد اقبال مردم بالاخص قضاوت و دستاندر کاران امر خطیر مبارزه با مواد مخدر قرار نگیرد. اینجاست که اهداف مقتن در مبارزه با جرایم مواد مخدر با شکست مواجه می شود. افکار عمومی به هیچ وجه قبح اجتماعی جرایم قتل عمد یا تجاوز به عنف را در مقایسه با فروش ۳۱ گرمی هروئین در داخل کشور که مجازات همگی اعدام است به یک میزان بر نمی تابد. عدم رعایت تعادل و توازن در جرم انگاری موادمخدر توسط قانونگذار بر مبنای تناسب مجازات با جرم، به روشنی نمایانگر انحراف قانونگذار از مسیر سیاست کیفری درست و ضابطه مند می باشد. بی عدالتی ماهوی^۲ ممکن است در اثر جرم انگاری نابجا یا تعریف مفرضانه عمل مجرمانه و غیر مجرمانه به وجود آید. به عنوان نمونه، اگر مجازات استفاده کردن از کراک^۳ شدیدتر از مجازات استفاده مضر از کوکائین در شرایط یکسان باشد بی عدالتی ماهوی وجود خواهد داشت. می توان به کامل شدن عدالت ماهوی (اجتناب از تمام بی عدالتی ها) امید بست ولی کامل شدن عدالت شکلی

^۱ مظلومان، ۱۳۵۳، ص ۲۷۸.

^۲ Substantive Injustice

^۳ crack.



به لحاظ وجود اشتباهات قضایی اجتناب ناپذیر) امکان پذیر نخواهد بود.^۱ عدالت ماهوی در جرم انگاری و تعیین مجازات که از شئون قانونگذار تلقی می گردد بر مبنای رعایت تناسب مجازات ها با جرایم، تطابق جرایم با میزان قبح اجتماعی آن و بالاخره فایده مندی مجازاتها ترسیم می گردد با این وجود با توجه به مجازاتهای جرایم موادمخدر و دادرسی محدودکننده آن، بی عدالتی ماهوی و شکلی کاملاً محسوس و مشهود است. شاید ایده سرکوب و تشدید مجازاتها در قانون مزبور ناشی از دیدگاه سنتی حاکمیت به مقوله موادمخدر مبنی بر رعایت مصلحت و مبارزه با استعمار توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر گردیده است، ولی نباید از این مهم غافل شد که مقوله جرم و مجازات معطوف به عامل انسانی به نام بزهکار در کنار سایر بزهکاران و بزه دیدگان می باشد لذا در ترسیم سیاست کیفری مبارزه با جرایم موادمخدر مثل سایر جرایم (جدا از دیدگاه سنتی)، باید اصول و قواعد حاکم بر جرم انگاری و تعیین مجازاتهای متناسب، عادلانه و فایده مند مورد توجه قرار گیرد. البته جای خرسندی است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده ۴۵ اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر، اختیار اصلاح آن را به مرجع عام قانونگذاری داده است و این مهم، نقطه عطفی است در راستای جرم انگاری اصولی متنی بر افکار عمومی که مجلس آن را نمایندگی می کند.

بند دوم: سیاست های غیر کیفری

مواردی از سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر که ناظر بر سیاست جنایی غیر کیفری نظیر پیشگیری، درمان و ترک اعتیاد است عبارتند از:

- بند ۴ از سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر مبنی بر اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب های ناشی از مواد مخدر با بهره گیری از امکانات دولتی و غیر دولتی با تاکید بر باورهای دینی مردم و اقدامات فرهنگی، آموزشی، هنری.
- بند ۶ از سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر مبنی بر ایجاد و گسترش امکانات عمومی تشخیص، درمان، بازتوانی و اتخاذ تدابیر علمی جامع و فراگیر با هدف درمان و

^۱ جرج پی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۱.



بازتوانی مصرف کنندگان، کاهش آسیب ها و جلوگیری از تغییر الگوی مصرف از مواد کم خطر به مواد پرخطر.

• حمایت های اجتماعی پس از درمان مبتلایان به مواد مخدر در زمینه اشتغال، اوقات فراغت و فراهم نمودن امکانات خدمات درمانی و نیازهای حمایتی مذکور.

• بند ۹ از سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر مبنی بر اتخاذ تدابیر لازم برای حضور و مشارکت جدی آحاد مردم و خانواده ها و حمایت از تشکل های مردمی در زمینه پیشگیری، کاهش آسیب و درمان معتادان.

• بند ۱۰ از سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر مبنی بر توسعه مطالعات و پژوهش ها در امر مبارزه با مواد مخدر و روانگردان و پیشگیری و درمان معتادان با تکیه بر دانش روز دنیا و استفاده از ظرفیت های علمی و تخصصی ذیربط در کشور.

همچنین بند (ز) ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان بر اساس محور های مختلف تصریح نموده است. از جمله: پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن با استفاده از تمامی امکانات و توانمندی های علمی، در اولویت قرار دادن استراتژی کاهش آسیب و خطر، کار درمانی و آموزش مهارت های زندگی سالم و روان درمانی و درمان اجنماع مدار معتادان، جلوگیری از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به داروهای شیمیایی و صنعتی، تقویت نقش مردم و سازمان های غیر دولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد.

الف: اصلاح، درمان و پیشگیری: قبل از اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، ماده ۱۵ آن قانون صراحتاً اعتیاد را جرم می دانست ولی به کلیه معتادان اجازه درمان و بازپروری داده می شد. ولی قانونگذار در بند ۶ و ۱۷ اصلاحیه با الحاق مواد ۱۵ و ۱۶ به قانون، ابتداً با جرم زدایی از اعتیاد و تلقی آن به عنوان بیماری، معتادان را مکلف به درمان و ترک اعتیاد خود با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیر دولتی یا خصوصی و یا سازمان های مردم نهاد نموده است. چنانچه معتادان از انجام این تکلیف خودداری نمایند قانونگذار به قید این شرط معتاد را مجرم تلقی نموده و مستوجب مجازات حبس از ۹۱ روز تا شش ماه دانسته است. ملاحظه میشود که



سیاست جنایی قانونگذار در مورد پدیده اعتیاد مبتنی بر پاسخ دولتی و جامعه‌ی غیر کیفری از طریق درمان و بازپروری است. چنانچه معتاد خود را تسلیم این سیاست درمان و حمایت نکند مجرم تلقی شده و از جهت تخطی از تکلیف درمان و ترک اعتیاد (نه به جهت اعتیاد)، مشمول سیاست کیفری قانونگذار قرار می‌گیرد. از نظر روابط فرعی ناشی از پاسخ‌های سیاست جنایی، مقنن با جرم زدایی از اعتیاد و برخورد بیمارگونه با معتاد، رابطه‌ی عرضی (جایگزین) را اختیار نموده است. مگر اینکه معتاد به تکلیف درمانی و ترک اعتیاد خود عمل ننماید که در اینصورت نه از جهت اعتیاد بلکه از جهت تخطی از عمل به تکلیف درمان خود مجرم شناخته می‌شود. به عبارت دیگر سیاست جنایی اولیه مقنن در مورد معتاد متأثر از بندهای ۶ و ۷ سیاست‌های کلی مبارز با مواد مخدر مبتنی بر سیاست غیر کیفری (درمان و بازپروری) است. چنانچه شخص معتاد به تکلیف مقرره مبنی بر ارائه‌ی گواهی درمان و ترک اعتیاد عمل ننماید سیاست کیفری جایگزین می‌گردد. پیشگیری غیر کیفری از اعتیاد و وقوع جرایم مواد مخدر با اینکه در دو ماده ۴ و ۹ سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر سال ۸۵ بر محور اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب‌های ناشی از مواد مخدر و مشارکت جدی آحاد مردم و خانواده‌ها و حمایت از تشکل‌های مردمی در زمینه‌های پیشگیری، کاهش آسیب و درمان و بازپروری به نوعی پیشگیری ثانویه از چرم که معطوف به گروه‌های در معرض خطر و ارتکاب جرم (مثل معتاد) می‌باشد، تلقی می‌شود. طبق مطالعات انجام شده در برخی از کشورها از جمله ایران به مداخلات درمانی بیش از پیشگیری اولیه اهمیت داده شده است و حتی در توزیع اعتبارات برای اجرای برنامه‌های پیشگیری اولیه توجه لازم نشده است، در حالیکه باید این توجه معکوس باشد. زیرا برنامه‌های کاربردی پیشگیری اولیه تمام افراد در معرض خطر جامعه را پوشش می‌دهد و اقدامی کنشی محسوب می‌گردد ولی برنامه‌های درمانی، واکنشی است و فقط افرادی را که مواد مخدر مصرف می‌کنند (مرحله دوم) و یا به مرحله سوم رسیده و در دام اعتیاد اسیر می‌باشند شامل می‌شود. البته در این دو مرحله هم، اعتبارات، بیشتر صرف معتادان مزمن می‌شود و افرادی که هنوز به اعتیاد مزمن دچار نگردیده‌اند اغلب فراموش می‌شوند. لذا منظور این است که فقط اولویت جابجا می‌شود ولی برنامه



درمان هم به موازات برنامه‌های پیشگیری و کاهش آسیب به طور جدی به صورت تلفیقی دنبال می‌شود.^۱ همچنین در بند هفت اصلاح ماده هفت قانون مبارزه با مواد مخدر دایر بر نگهداری معتادان مواد مخدر در مراکز دولتی مجاز درمان و کاهش آسیب و همچنین اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج توسط معتادان و به دستور دادگاه، تحت تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیری وضعی^۲ یا موقعیتی (کاهش فرصت‌های ارتکاب و آماج‌های جرم) وضع گردیده است. سیاست جنایی در قبال مواد مخدر یک رویکرد کلان به این پدیده است که از طریق اعمال پاسخ‌های گوناگون در قالب آیین‌های متنوع دادرسی در مراجع مختلف قضایی، اداری، انتظامی در کنار جامعه مدنی به کنترل جرایم مواد مخدر می‌پردازد.^۳

ب: سیاست جنایی مشارکتی: سیاست جنایی مشارکتی، یعنی یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است. سیاست جنایی مشارکتی یعنی پیشگیری در کنار سرکوبی، از امور اجتماعی متعلق به همه افراد جامعه محسوب می‌شود. می‌توان گفت سیاست جنایی ذاتا دولتی به سوی سیاست جنایی مشارکتی، که جلوه‌ای از مشارکت مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، محاکمه، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزه‌کاریست، حرکت می‌کند. به بیان دیگر دولت‌ها نمی‌توانند نقش موثر و نهادهای متشکل مردمی را در اشکال گوناگون کنترل جرم نادیده گیرند.^۴ بدین ترتیب سازمان‌های غیردولتی برای زدودن و مواجهه با معضل سوء مصرف مواد مخدر گزینه‌های مطلوب می‌باشند. خاصیت مشارکتی، داوطلبانه و نوع دوستانه این تشکل‌ها سبب می‌گردد کسانی که با علاقه و از روی آگاهی جذب آنها شوند و با همکاری



^۱ اسعدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.

^۲ Situational Crime Prevention. پیشگیری وضعی که آن را پیشگیری بزه‌دیده‌مدار نیز می‌نامند از انواع پیشگیری غیرکیفری است که موضوع مطالعه آن کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق دشوار ساختن ارتکاب جرم یا افزایش خطرات آن می‌باشد.

^۳ نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰.

^۴ نجفی‌ابرنادآبادی، منبع پیشین، ص ۴۳.



خود سازمان را در نیل به اهدافش یاری رسانند. سازمان‌های مردم‌نهاد بدلیل ماهیت مردمی خود و دور از بوروکراسی و مسائل پیچیده اداری راحت‌تر و با گروه‌های هدف خود ارتباط برقرار می‌سازند و به‌طور بهینه رسالت خویش را انجام می‌دهند.^۱ در خصوص تعداد سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد فعال برای مقابله با جرایم مواد مخدر، آمار دقیقی در دسترس نمی‌باشد ولی می‌توان گفت سیاست جنایی مشارکتی که بیشتر با مشارکت مردم و یا سازمان‌های مردم‌نهاد ترسیم می‌گردد عمدتاً در سیاست جنایی غیرکیفری اعم از پیشگیری، اصلاح و درمان قابل اعمال است در حالی که اعمال سیاست جنایی کیفری امری حاکمیتی و از شئون حکومت است. یکی از محورهای تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان مصرح در بند «ز» ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، تقویت نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد است و همین‌طور مواد چهارم و نه سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر سال ۸۵ بر اتخاذ راهکارهای یشگیرانه با بهره‌گیری از امکانات دولتی و غیردولتی و مشارکت جدی آحاد مردم و خانواده‌ها و حمایت از تشکل‌های مردمی در زمینه‌های پیشگیری، کاهش آسیب و درمان معتادان تصریح دارد. بنابراین قانونگذار در بندهای ۶ و ۷ اصلاحیه با اصلاح مواد ۱۵ و ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر، سیاست جنایی مشارکتی را به صورت محدود در خصوص درمان، ترک اعتیاد و کاهش آسیب، آن‌هم با نظارت دولت پذیرفته است بدین‌نحو که شخص معتاد را مکلف به ارایه گواهی درمان و ترک اعتیاد از مراکز غیردولتی یا خصوصی یا سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار مراکز دولتی نموده است. البته نقش و دخالت نهادهای غیردولتی و مردمی در امر پیشگیری از اعتیاد و جرایم مواد مخدر نسبت به سایر ارکان سیاست جنایی در ایران بیشتر است. که در مقررات مختلف بر آن تصریح گردیده است. پیش‌نویس اولیه اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر متناظر با سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر در کمیسیون مبارزه با مواد مخدر و قاچاق در ۱۱۹ ماده در سال ۸۷ به صورت جامع تهیه شده بود و یکی از فصول آن اختصاص به مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد داشت که متأسفانه به دلایل نامعلوم به سرانجام

^۱سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر، مقاله سازمان‌های غیردولتی و نقش آنها در زمینه کاهش تقاضای مواد مخدر.

تصویب نرسید. بند ۱۵ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق ماده ۴۵، اصلاح قانون مزبور را توسط مجلس شورای اسلامی بلامانع دانسته است. حسن و جنبه مثبت این بند از اصلاحیه از این جهت است که امکان اعمال سیاست جنایی تقنینی در خصوص جرایم مواد مخدر را که قبل از این در انحصار مجمع تشخیص مصلحت قرار داشت به مزج رسمی قانونگذاری داده است یعنی مجلس شورای اسلامی می تواند با فرایند صحیح قانونگذاری که به نحوی نماینده افکار عمومی و متأثر از واقعیات اجتماعی در مورد جرایم مواد مخدر می باشد از طریق کارشناسی و بررسی تخصصی، سیاست جنایی جرایم مواد مخدر را ترسیم و در مسیر اهداف منظور هدایت کند و مضافاً اینکه امکان کنترل سیاست جنایی تقنینی جرایم مواد مخدر توسط مرجع نظارتی یعنی شورای نگهبان از نظر عدم مغایرت با موازین شرعی نیز فراهم گردیده است.

بخش پنجم: انواع سیاست های جنایی بر خورد با اعتیاد

بند اول: سیاست جنایی ملی

سیاست جنایی ملی، که برای رسیدن به یک سیاست جنایی واحد در مفهوم موسع آن بایستی قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه و در نهایت جامعه مدنی، همگام و همسو حرکت نماید تا به آن هدفی که از تحقق سیاست جنایی مطرح است، نایل گردند. بنابراین برای رسیدن به این نوع سیاست جنایی در سطح قلمرو داخلی نیاز به هم آهنگ نمودن سیاست جنایی در لایه های ابتدایی آن یعنی در سطح قوای سه گانه و جامعه مدنی ضروری می باشد.

بند دوم: سیاست جنایی فراملی

سیاست جنایی فراملی، در این سیاست جنایی این سوال دیگر مطرح نیست که آیا با جهانی شدن حقوق موافقیم یا نه؟ این یک واقعیت است؛ حقوق جهانی می شود و حقوق در بعضی از حوزه ها یکبارہ جهانی خواهد شد و لازم به توضیح می باشد که غالباً بحران ها آغازگر فرآیند جهانی شدن حقوق می باشد. صرفنظر از بحث جهانی شدن حقوق، مفهوم دیگر جملات این است که بسیاری از بحران ها به خصوص بحران های جنایی فراسرزمینی، باعث خروج حقوق



کیفری از مرزهای سرزمینی می شود به همین علت، این نوع سیاست جنایی از اهمیت بسیاری در جامعه جهانی برخوردار می باشد.^۱

بخش ششم: انواع پیشگیری مرتبط با اعتیاد

با توجه به ماهیت اعتیاد که یک فرایند است و نه یک رخداد و در طول زمان تداوم دارد و حتی افرادی که اعتیاد را ترک می نمایند ممکن است مجدداً به اعتیاد روی آورند ما باید تدابیری را برای بازگشت مجدد این افراد به جامعه در نظر بگیریم. در جرم شناسی شش نوع پیشگیری قابل تصور است، چهار نوع تحت عنوان پیشگیری سنتی یا متداول و دو نوع دیگر به عنوان پیشگیری جدید یا نوین است.

بند اول: پیشگیری جدید یا نوین

این دسته از پیشگیری ها در دو - سه دهه اخیر وارد ادبیات جرم شناسی شده است. البته این سخن به آن معنی نیست که قبلاً چنین تدابیر و سیاست هایی وجود نداشته است، بلکه این تدابیر پراکنده بوده و تحت چنین عناوینی دسته بندی نشده بوده اند. پیشگیری های جدید، دو دسته بندی را شامل می شود؛ دسته اول «پیشگیری اجتماعی و وضعی» و دسته دوم «پیشگیری دفاعی و آزادی بخش» می باشد. به دلیل منطبق بودن پیشگیری دسته اول با مباحث اعتیاد، در اینجا به تشریح نوع اول بسنده می کنیم.

بند دوم: پیشگیری اجتماعی

این یک واقعیت است که بزهکاری تابع تحول جامعه است. از این رو مشاهده می گردد که در جوامع روستایی نظارت و کنترل اجتماعی که عمدتاً از نوع غیر رسمی می باشد قوی تر است، بزهکاری و جرم نیز به همان اندازه ضعیف تر است، زیرا در این اجتماعات پایه های دین و پایبندی به ارزش های اخلاقی قوی تر است. اما در جوامع شهری افزایش نابرابری ها، انواع نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی، بیکاری و حاشیه نشینی بخشی از مردم، فقدان امنیت مالی، تورم، عدم دسترسی به امکانات مساوی برای استفاده از فرصت های آموزشی و بهداشتی، رفاهی و تفریحی، زمینه مساعد برای ارتکاب جرم و گسترش فعالیت های بزهکارانه پراکنده یا

^۱نجفی ابرند آبادی، منبع پیشین.



سازمان یافته را هموار می سازد. در پیشگیری اجتماعی تلاش می شود که با انجام برنامه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و نظایر آن ها و درمان نارسائی های اجتماعی و بالا بردن ارزش های اجتماعی و اخلاقی شرایط یک منطقه و نیز وضعیت مجرمان بالقوه اعتلا یافته و این روند به کاهش میزان جرم بینجامد. در پیشگیری اجتماعی از اعتیاد می توان از ارگان هایی همانند: بهزیستی، شهرداری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، صدا و سیما، سازمان زندان ها و دیگر نهاد ها که کارهای مددکاری و درمانی انجام می دهند نام برد. شهرداری در زمینه پیشگیری از اعتیاد، در طراحی فضای شهری و همچنین تبلیغات شهری (مترو، تلویزیون های شهری، پوستر، بنر) و حتی فضاهای نمایشگاهی برای بحث اعتیاد و ضرر های ناشی از آن ایجاد نماید و نظریه بی هنجاری مرتن^۱ در همین راستا، هرگونه تبیین فردگرایانه و روان شناختی را در مورد مساله انحراف مردود می شمارد و آن را متأثر از ساخت جامعه می داند و شرایط ساختی را عامل اصلی انحرافات به شمار می آورد. وی یکی از عناصر اصلی ساخت جامعه را فراهم نمودن شیوه های استاندارد شده کنش - یعنی همان ابزار ها و هنجار ها - برای نیل به اهداف می داند و عنصر اصلی دیگر را اهداف و ارزش های مورد قبول و پذیرفته شده جامعه می داند. او در صورتی یک نظام اجتماعی را «متعادل» می داند که بین این دو عنصر اصلی، تناسبی وجود داشته باشد.^۲ بهزیستی می تواند در زمینه پیشگیری از اعتیاد در جامعه با معرفی مشاوران خبره به نهادهایی که مسئول نگهداری این افراد در جامعه، باعث تحولاتی در این زمینه گردد، که یک مورد از مهمترین گام ها در بحث اجتماعی پیشگیری از اعتیاد مسائل آموزشی و مشاوره ای از طریق آموزش و پرورش برای جوانان و نوجوانان در جامعه می باشد. پیشگیری اجتماعی بر مبنای علت شناسی استوار است که نظر بر حذف یا خنثی کردن عواملی دارد که در تکوین جرم موثرند و با دخالت در محیط های اجتماعی مانع از شکل گیری انگیزه های بزهکارانه و خنثی سازی عوامل جرم زا می گردد.^۳

^۱. Merton

^۲. اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص ۲۱۶.
^۳. نجفی ابرند آبادی، منبع پیشین.



در برنامه های پیشگیری از جرم هیچ نهاد خاصی نمی تواند متولی آن در همه ابعاد باشد و هماهنگی بین نهاد های رسمی جامعه از یک سوء و مشارکت نهادهای مردمی از سوی دیگر ضروری به نظر می رسد.

بند سوم: پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی، اقدامات پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرائم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندند، ترسیم می کنند. یک مورد از موثرترین کارهایی که در زمینه پیشگیری وضعی از اعتیاد باید مدنظر قرار گیرد، پاکسازی ظاهر زیبای شهر می باشد و برای این که در داخل کشور این امر محقق گردد نیاز به یک نقشه منطقه ای خواهیم داشت که در آن نقشه تمام محیط های جرم خیز و آلوده به جرم مشخص گردد. البته شایان ذکر است که در نظریه کنترل به جای توجه به علت همנוایی افراد، بیشتر به دنبال علل ناهمنوایی افراد بوده و معتقد است که ناهمنوایی و هنجارشکنی و کج روی افراد ریشه در عدم مهار صحیح و کارا دارد. این دیدگاه از سویی، زندگی را پراز وسوسه و نیرنگ و فریب می داند و از سوی دیگر، برخی از عوامل انحرافی را مفید و سودمند می شمارد. بنابراین، زمینه و شرایط را برای رفتارهای نابهنجار فراهم می داند و مدعی است که همنوایی مردم بدین سبب است که اعمال و رفتار آنان توسط جامعه مهار می شود، بطوری که هر قدر میزان این مهار بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از قبیل رسمی و غیر رسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیر مستقیم وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان همنوایی مردم بیشتر خواهد بود. و اگر مهارت از سوی جامعه وجود نداشت، همنوایی اندکی به وجود می آمد.^۱ یک مورد از موارد دیگر پیشگیری وضعی در خصوص اعتیاد، افزایش اطلاعات شهری با استفاده از تکنولوژی جدید مثل دوربین های مدار بسته و همکاری عموم مردم است. نصب دوربین های مدار بسته و کنترل افراد معتاد در جامعه از وظایف نیروی انتظامی می باشد، ولی از آنجایی که دوربین مدار بسته در کشور متولی خاصی ندارد و ارگان ها با یکدیگر در این زمینه همکاری لازم را ندارند باعث گردیده تا در این مورد هم به مطلوبیت خاصی دست پیدا نکنیم. و همچنین از

^۱ یان، ۱۳۷۲، ص ۱۷۵.



معضلات دیگر در خصوص عدم اجرای پیشگیری وضعی از اعتیاد در جامعه، عدم وجود کمپ های مناسب و عدم تخصیص بودجه در این زمینه توسط نهادهای ذیربط می باشد. همچنین بیان داشت که شهرداری با همکاری بهزیستی استان ها در زمینه جمع آوری معتاد در سطح شهر و انتقال به گرم خانه ها، نقش تاثیرگذاری در کاهش افراد معتاد در جامعه داشته باشد. البته یکی از معضلاتی که در خصوص پیشگیری وضعی وجود دارد این می باشد که این نوع از پیشگیری باعث مهاجرت جرم از یک مکان به مکان دیگر خواهد شد.

بخش هفتم: رویکردهای نظری تاثیر رسانه ها در پیشگیری از وقوع جرم

درباره تاثیرگذاری رسانه ها بر مخاطبان نظریه های متعددی بیان شده است که از ابتدایی ترین آنها می توان به نظریه تزریقی اشاره کرد. نظریه پردازان دهه ۲۰ و ۳۰ با بیان نظریه تزریقی بر قدرت بی چون و چرای رسانه ها و انفعال مخاطبان در پذیرش پیام تاکید داشتند و پس از آن در دهه ۴۰ نظراتی کاملاً مخالف مطرح شد. لازارسفلد و برلسون با بیان نظریه استحکام معتقد بودند پیام قدرت ندارد و فرد به انتخاب خودش دست به انتخاب می زند. نظریه های دو یا چند مرحله ای پیام، برجسته سازی، نیازجویی و وابستگی مخاطبان نیز از دیگر نظریاتی هستند که به بررسی تاثیرگذاری رسانه بر مخاطب پرداختند. در عصر حاضر تکنولوژی های نوین ارتباطات، امکان تولید، کنترل و نشر پیام را برای مخاطبان فراهم کرده است و نوعی جابه جایی قدرت از صاحبان رسانه به کاربران اتفاق افتاده است. اما علی رغم شرایط موجود همچنان امکان کنترل محتوا و جهت دهی به افکار عمومی وجود دارد و به نظر نگارنده با توجه به شرایط پیش آمده به نظر می رسد بایستی با توجه به نظریه های کاشت گریز و جریان دو مرحله ای اطلاعات که معتقدند رسانه ها قادرند مخاطبان را متاثر کنند می توان در راستای کاهش ارتکاب جرم و اشاعه فرهنگ مجازات های جایگزین به تهیه، تولید و انتشار پیام های رسانه ای پرداخت.

بند اول: نظریه کاشت

این نظریه یکی از اشکال اثر رسانه ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرار گرفتن در معرض رسانه ها، تا چه حد می توان به باورها و تلقی عموم از واقعیت خارجی،





شکل دهد؟ نظریه کاشت یا اشاعه برای ارائه الگویی از تحلیل، تبیین شده است، تل نشان دهنده تاثیر بلند مدت رسانه هایی باشد که اساسا در سطح برداشت اجتماعی، عمل می کنند.^۱ گرنبر عقیده دارد که تلویزیون به لحاظ عمق و نفوذ قابل ملاحظه اش، نیروی فرهنگی قدرتمندی است. وی تلویزیون را ابزاری در دست نظم تثبیت شده صنعتی اجتماعی می داند، که به جای تغییر، تهدید یا تضعیف نظام سنتی باورها، ارزش ها و رفتارها، در خدمت حفظ، تثبیت یا تقویت آنهاست. او که اثر اصلی تلویزیون را جامعه پذیری یعنی اشاعه ثبات و پذیرش وضعیت موجود می داند، معتقد است که تلویزیون تغییرات را به تنهایی به حداقل نمی رساند؛ بلکه این امر با هماهنگی دیگر نهادهای عمده فرهنگی محقق می شود.^۲ این نظریه معتقد است که تلویزیون در بلند مدت موجب تاثیر در جهانی و نظام ارزشی بینندگان پرمصرف خود می شود و به آنها نگرش تلویزیونی واحد در مورد واقعیات می بخشد. در واقع نظریه گرنبر با تفاوت قائل شدن بین مخاطب عادی و پرمصرف، تاثیر زیاد تلویزیون بر مخاطب پرمصرف را اثبات می کند. «گرنبر» می گوید: از نظر تماشاگران پرمصرف، تلویزیون عملا، دیگر منابع اطلاعات، افکار و آگاهی ها را به انحصار درآورده و یک کاسه می کند. اثر این مواجهه با پیام های مشابه، چیزی را تولید می کند که وی آن را کاشت یا آموزش جهان بینی، رایج، نقش های رایج و ارزش های رایج، می نامد.^۳ گرنبر عقیده دارد که پیام تلویزیون از چندین جنبه اساسی از واقعیات فاصله دارد؛ اما به جهت تکرار دائمی اش، نهایتا به عنوان دیدگاه مورد وفاق جامعه، پذیرفته می شود و تماس ممتد با جهان تلویزیون، می تواند نهایتا به قبول دیدگاه تلویزیون، که همواره واقعیت را به درستی منعکس نمی کند، درباره جهان واقعی منجر شود.^۴

بند دوم: نظریه جریان دو مرحله ای اطلاعات

اطلاع رسانی و ترویج فرهنگ پیشگیری از وقوع جرم سالهاست در دستور کار نهادهای مرتبط با این حوزه قرار گرفته است. در بررسی عملکرد این نهادها مشخص شده است که

۱. گونتر بری، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰.

۲. گونتر بری، منبع پیشین، ص ۳۱۰.

۳. سورین و تانکارد، ۱۳۹۰، ص ۹۱-۳۹۰.

۴. مک کوایل و گونتر، ۱۳۸۵، ص ۳۹۹-۳۱۰.

بیشترین تمرکز بر پیشگیری بوده است و به بعد از وقوع جرم توجه کمتری شده است به طوری که بسیاری از جنبه های اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی همچنان مغفول مانده است. رسانه های دیجیتال، سایت های خبری، پایگاه های اطلاع رسانی، شبکه های اجتماعی و رسانه های چاپی از جمله رسانه هایی هستند که در کمترین زمان پس از وقوع جرم اطلاع رسانی می کنند. معمولا در این هنگام خبر اطلاعات اولیه اعلام می شود و کمتر به چرایی و چگونگی علل وقوع حوادث و جرائم پرداخته می شود. سایت ها و خبرگزاری ها در رقابت با یکدیگر و افزایش مخاطبان خود، گاهی خبرهای کوتاه با ارزش های خبری برخورد و درگیری را در صدر اخبار خود به صورت لحظه ای منتشر می کنند. این در حالی است که اگر اطلاعات تکمیلی و شرح ماجرا بدون حاشیه سازی و بزرگ نمایی پس از درج اولین خبر، اطلاع رسانی نشود اسباب شایعه و انحراف افکار عمومی فراهم می شود. هم اکنون ۴۰ میلیون از ایرانیان کاربر فضای مجازی و ۲۵ میلیون نفر کاربر اینترنت هستند. و با توجه به فعالیت شبکه های اجتماعی و قابلیت تولید و مدیریت محتوا توسط کاربران امکان انحراف در انعکاس واقعیت افزایش می یابد. همچنین بسیاری از حوادث و واقعیت ها با هدف جذب مخاطب و تحت تاثیر گذاردن افکار عمومی بازتعریف و گاه بازسازی می شوند. لذا مراکز و نهادهای متصدی و متولی ترویج فرهنگ پیشگیری برای جلوگیری از این معضل بایستی دیپلماسی رسانه ای را طراحی و عملکرد رسانه ها و افکار عمومی را هدایت کنند. به نظر نگارنده این مقاله با توسل به نظریه دو مرحله ای اطلاعات می توان به کمک رهبران افکار جریان خبری و محتوای رسانه ها را در راستای تنویر افکار عمومی و پیشبرد اهداف متعالی قوه قضائیه مدیریت کرد. با توجه به قدرت غیرقابل انکار شبکه های اطلاع رسانی و مجازی تغییر نگرش های منفی شکل گرفته درباره جرائم و مجرمان علاوه بر زمان بر بودن مستلزم هزینه های فراوانی است که گاه غیرقابل جبران هستند. به همین دلیل پیشگیری و آمادگی روبه رو شدن با جریان های منفی خبری از ضرورت هایی است که بایستی بدان توجه کرد. در راستای اثبات تاثیرات پیام های اقناعی یا ترغیبی تحقیقاتی توسط پژوهشگران علوم ارتباطات انجام شد. آنها الگویی از قانع سازی را طراحی کردند که جریان اطلاعات در دو مرحله نامیده می شود. طبق این الگو برای آنکه پیام



رسانه ای موثر واقع شود طوری باید طراحی شود که رهبران فکری را متقاعد کند، زیرا آنها هستند که با پیام های بیشتر درگیر می شوند. رهبران فکری پس از آنکه پیام ها را خواندند آنها را با سوگیری شبکه های اجتماعی موجود به نزدیکان خود انتقال می دهند. نیاز به برخورد تکمیلی چهره به چهره و تاثیر، اساس و بنیان نظریه جریان دو مرحله ای است. در این نظریه که برای اولین بار توسط لازار مسفلد و سپس توسط کاتس و برلسون در مورد نقش رسانه ها و تبلیغات در انتخابات آمریکا انجام شد، معلوم شد که ارجحیت کاندیدا و تصمیم گیری برای رای دادن، بیشتر بر مبنای ارتباط و تاثیر چهره به چهره است تا وسایل ارتباط جمعی.

بخش هشتم: راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم

بند اول: تشدید کیفرهای قانونی در پرتو بازتاب رسانه ای

گاهی سختگیری کیفری، با هدف آرام کردن کقطعی افکار عمومی مضطرب و ملتهب و نه به منظور حل اساسی معضل بزهکاری در دستور کار قرار می گیرد. قانون گذار کیفری ایران در نبود سیاست جنایی مدون، در اثر فشارهای رسانه ای که در فضای احساسی، هیجانی و شوک ناشی از وقوع حوادث جنایی به اصطلاح مهم صورت می گیرد، برای آرام کردن افکار عمومی تحریک شده، با روش های ساده، موضوع های پیچیده را با تشدید کیفرها حل می کند. بدین سان رسانه ها با گزینش اخبار جنایی چگونگی وقوع آن را به صورت گسترده بازتاب داده و احساس ناامنی و ترس از جرم را در جامعه دامن می زند. شکل گیری افکار عمومی حول بزهکاری و تصور مردم از نهادهای پلیسی و قضایی تحت تاثیر رسانه ها، بی تردید مطالبات و نیازهای امنیتی را بوجود می آورد. الهیار ملک شاهی رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس معتقد است با توجه به ابلاغ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه و تاکید مقام معظم رهبری در بازنگری قوانین جزائی به منظور کاستن از محکومیت در چند سال گذشته تلاش شده قوانین به سمت و سویی حرکت کند تا مجازات زندان، تنها راهکار پیشگیری از جرم نباشد. او گفته است: در برخی قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری جدید، مجازات های جایگزین حبس در نظر گرفته شده و دست قاضی در این زمینه باز گذاشته شده است تا با تشخیص صحیح و مستندات کافی حکم متناسب را صادر



کند. همچنین به دلیل اهمیت این موضوع که از دغدغه های مقام معظم رهبری نیز بوده، لایحه «جایگزین های حبس» در مجلس در حال بررسی است که طبق این لایحه عنوان مجرمانه در برخی جرائم به تخلفات تبدیل می شود، بطوری که تخلفات مذکور در دادگاه قابل بررسی نبوده و در هیئت رسیدگی به تخلفات اداری بررسی می شوند.^۱

بند دوم: ضرورت استفاده از راهکارهای شبه حبس و اتکا به مجازات های

نقدی

حقوق کیفری در قالب قوانین جزائی و در راستای برقراری امنیت و ثبات اجتماعی، اقدام به تعریف جرائم و بیان ضمانت اجراهای آن (مجازات) می کند تا بتواند با یاری و مشارکت اعضا و مقامات سیستم عدالت کیفری به اهداف مورد نظر خود دست یابد. آنچه که در تاریخچه اعمال مجازات و انواع آن می توان ملاحظه کرد، خشن بودن شدید بودن مجازات هاست. در خصوص علت اعمال این مجازات ها، عمده ترین هدف انتقام گیری، تنبیه و تحقیر مجرم بود. پس از انقلاب کبیر فرانسه، به خصوص در طول قرن نوزدهم، انواع مجازات، اهداف آن، نحوه و چگونگی اعمال و اجرای آن و از همه مهمتر، شخصیت فرد مجرم، دقت نظر حقوق دانان کیفری، قضاوت دادگاه ها و مقامات اجرای مجازات را به خود جلب کرد. از یک طرف، توجه به مجرم به عنوان یک بیمار اجتماعی و فردی که در عین خطا کار و مستحق تنبیه بودن، به عنوان یک انسان، دارای حقوقی است و از طرف دیگر، فکر بازسازی مجدد او پس از تحمل مجازات و امکان حضور مجدد او در جامعه با تمایلات سالم اجتماعی و شخصیتی، سبب شد تا همواره شدت مجازات و اندیشه انتقام جویی از فعل او، مورد حمایت قرار نگیرد. بر این اساس رفته رفته از تعداد و انواع مجازات های بدنی که به نوبه خود خشن و شدید هم بودند، کاسته شده و مجازات های جایگزین آن و عمدتاً حبس و سلب آزادی، به کار برده شد. در همین راستا، هدف از اعمال مجازات نیز، از انتقام جویی و تنبیه صرف، به سمت اصلاح و بازسازی او تغییر کرد. مجازات حبس در قوانین بیشتر کشورها به راحتی پذیرفته شده و در پاره ای از موارد، شکل معمولی و بدیهی تنبیه و کیفر دادن نیز تلقی می شود. چنین نگرشی نه تنها در بین افراد عادی جامعه، بلکه در بین مقامات سیستم عدالت

^۱ روزنامه همشهری، مورخ ۹۵/۱/۲۴.





کیفری نیز قابل مشاهده است. کثرت اعمال مجازات حبس در کشورهای مختلف دنیا به عنوان یک ضمانت اجرا در برابر اعمال مجرمانه، موید این بینش است. ازدحام جمعیت زندان‌ها در دنیا (بالغ بر ۹ میلیون نفر) در سال‌های اخیر و هزینه‌های گزاف نگه‌داری، مراقب و تربیت زندانیان، مقامات شاغل و مسئول در سیستم‌های عدالت کیفری، کشورهای دنیا را بر آن داشت تا در خصوص عوامل موثر در کاهش این آمار بررسی کنند که در این میان، به نتایج خوبی دست یافته‌اند.^۱

از جمله جنبه‌های مثبت مجازات‌های جایگزین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جرم‌زدایی از تعداد زیادی از جرائم که سبب می‌شد افراد زیادی به اتهام‌های غیر مهم وارد محیط زندان شوند؛

- خودداری از به‌کارگیری بیش از حد باشداشت موقت متهمان؛

- استفاده از آزادی مشروط؛

- به‌کارگیری سیستم تعلیق اجرای مجازات؛

- استفاده از جایگزین‌های موجود و متبادر به ذهن در مورد حبس؛

- نظارت و دقت در خصوص ساختار فیزیکی زندان، مکانات موجود در آن، ایجاد زندان‌های مختلف برای زندانیان مختلف برای زندان‌های مختلف و طبقه‌بندی زندانیان؛

- به‌کارگیری افراد متخصص در داخل زندان که به عنوان مددکار اجتماعی می‌توانند بیشترین نقش را در شناسایی شخصیت زندانی و بازسازگار کردن آن داشته باشند.^۲

نتیجه‌گیری

اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان بدون تردید یکی از چالش‌های عمده فراروی دولت‌ها است. امروزه می‌توان ادعا کرد که این معضل دارای آثاری به مراتب زیانبارتر از آثار سلاح‌های مخرب، جنگ، فقر و تروریسم می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به دلیل خاستگاه عقیدتی نظام حاکم بر آن و همچنین تقیید مردم به مبانی دین اسلام و نیز موقعیت جغرافیایی و خصایص سیاسی آن به عنوان نقطه مقابل نظام سلطه همواره در طول سی سال گذشته مورد

^۱. افندک، حسن دوست، ۱۳۹۲، ص ۱۲-۱۱.

^۲. افندک، احسن دوست، منبع پیشین.

هجوم دشمنان اسلام و ایران بوده و در این راستا دنیای استکبار از هیچ کوششی برای ترویج نابسامانی و بی ثباتی در کشور فروگذار نکرده است. در سال های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی با تبلیغات گسترده علیه خط مشی انقلاب و سپس هدایت عناصر داخلی جهت انجام عملیات خرابکاری و ترور و متعاقب آن تحمیل ۸ سال جنگ تحمیلی، رویکرد خصمانه قدرت های استکباری شکل ملموس تری به خود گرفت. در سال های اخیر تلاشی که صورت می گیرد نه در قالب جنگ و توسل به زور بلکه با توسل به ابزار های فرهنگی می باشد که هدف آن بی هویت کردن نسل جوان و ترویج فساد و نا امنی و بی اعتقادی در میان آنان است. با عنایت به بافت جمعیتی کشور، این اقدام می تواند بسیار مخرب بوده و عواقب جدی امنیتی برای کشور در پی داشته باشد. در بحث پیشگیری بر اساس برنامه های بلند مدت و کوتاه مدت ملی توجه ویژه ای به مراکز آموزشی شده و با طراحی ابزارهای مختلف در سطح مراکز آموزشی از دبستان به بالا فعالیت پیشگیرانه صورت می گیرد. نهاد های محلی همانند شوراهای پیشگیری شهرستان ها و استان ها و پلیس محلی و ژاندارمری دارای برنامه های گسترده پیشگیری در سراسر قلمرو این کشور می باشند. در حوزه درمان وزارت بهداشت و درمان و سازمان بهزیستی فعالیت های چشمگیری را انجام داده اند اما درمان اعتیاد کماکان در مراکز خاص صورت می گیرد و در مراکز درمانی عمومی شاهد درمان اعتیاد نمی باشیم.

در زمینه پیشگیری، وزارت آموزش و پرورش نیز اقداماتی را در خصوص پیشگیری در مدارس به انجام رسانده و سایر نهاد های مسئول چون بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر و صدا و سیما نیز فعالیت هایی را انجام داده اند اما تلاش های انجام شده متناسب با رشد صعودی اعتیاد در کشور نیست و در این رابطه عزم ملی و تلاش همه جانبه لازم است.

استفاده ابزاری از خواست و مطالبات عمومی در زمینه تامین امنیت نقش بسزایی در تداوم حیات عوام گرایی کیفی داشته است. رویکرد های عوام گرا در واقع بستر های لازم را برای تحمیل سیاست های خاص بر مردم و به نام خواست مردم فراهم می آورد. مراجعه مستقیم به آرای مردم و ساده سازی مسائل پیچیده عدالت کیفری و مشروعیت بخشیدن به اقدام های سطحی و بدون مبنای نظری، از جمله ویژگی های اصلی این رویکرد است. در این فضا، سیاست گذاری بندرت از مجرای کمیته های تخصصی و کارشناسی اجام می شود و رعایت



ملاحظه های علمی و دغدغه های حقوق بشری در کنترل جرم همچون مانع و چالشی بر سر راه دفاع موثر از جامعه ارزیابی می شوند. در این میان، نقش بازنمایی رسانه ای حوادث جنایی و تاثیر آن بر عواطف و احساسات عمومی را نباید از نظر دور داشت. رسانه های گروهی در بیشتر کشورها نسبت به گذشته حجم و زمان بیشتری را به پوشش خبری پدیده های مجرمانه اختصاص می دهند و از آزادی عمل بیش تری برای بازنمایی و پردازش اخبار و رویداد های جنایی برخوردارند؛ بدون اینکه تحول چندانی را در افزایش مهارت های تحلیلی و رعایت نکات جرم شناسانه تجربه کرده باشند. روند روزافزون تاثیر گذاری رسانه ها در شکل گیری افکار عمومی و بازنمایی توأم با بزرگنمایی انواع خاصی از جرایم با استفاده از جنجال های ژورنالیستی، بستر های حمایت از پاسخ های احساسی و عامه پسند به پدیده های مجرمانه را فراهم ساخته است. در این شرایط، سیاست های مقطعی مبتنی بر امنیت ظاهری و نمایش اقتدار تصنعی نهادهای رسمی، بر تدابیر دراز مدت پیشگیرانه مبتنی بر مشارکت جامعه محلی پیشی می گیرد. در نهایت، ویژگی مهم سیاست های کیفری عوام گرا عدم وجود ارتباط علت و معلولی میان اقدام ها و نتایج مورد انتظار و فقدان تاثیر گذاری این تدابیر بر تضعیف یا خنثی کردن متغیر های جرم است. مبهم بودن مبنای نظری سیاست های عوام گرا و شکل گیری آن در شرایط احساسی و هیجانی، موجب میشود که این واکنش ها با وجود وعده های آرمانی، در دراز مدت قادر به پاسخ گویی به ادعاهای خود مبنی بر تامین امنیت مورد انتظار مردم نباشند. استفاده از شگرد های مبتنی بر فرافکنی در تحلیل علل ناکامی سیاست های کنترل جرم، برانگیختن افکار عمومی علیه حقوق دانان و مدافعان رعایت موازین حقوق بشری و نیز توسعه گفتمان دشمن انگاری متهمان و مجرمان، که عوام گراها آن ها را عامل اصلی تحقق نیافتن امنیت و ناقض منافع اکثریت شهروندان می دانند، باید در همین راستا مورد تجزیه تحلیل قرار گیرد. در سایه ترویج این نگرش، حقوق گروه های اجتماعی که هم سنخ با اکثریت جامعه پنداشته نمی شوند، در معرض تضييع قرار میگیرد و به موازات آن کاربرد ادبیات تهاجمی علیه کارشناسان و نخبگان مخالف با واکنش های مقطعی و غیر علمی سیاست گذاران عوام گرا، توسعه می یابد.



منابع و مآخذ

کتاب

۱. اوپورون، ژان پل، ۱۳۷۸، مواد مخدر آرزوها را می کشد، مترجم: امان الله ترجمان، تهران، انتشارات پرشکوه.
۲. حسینی مراغی، ۱۴۱۸، العناوین، تهران، مؤسسه نشر الاسلامیه.
۳. سورین، تانکار، ورنر، جیمز، ۱۳۸۱، نظریه های ارتباطات، مترجم: علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. صادقی، میر محمد، ۱۳۷۶، حقوق جزای اختصاصی، تهران، نشر میزان.
۵. لازرژ، کریستین، ۱۳۸۲، درآمدی بر سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
۶. مرتضوی، سعید، ۱۳۸۸، قاچاق مواد مخدر و روان گردان، تهران، انتشارات مجد.
۷. موسوی، اشرف السادات، ۱۳۸۲، خانواده درمانی، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء (س).
۸. هاشمی، علی، ۱۳۸۳، نگاه نو، اقدام نو در مبارزه با مواد مخدر، جلد اول، تهران، دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.
۹. یان، رابرتسون، ۱۳۷۲، درآمدی بر جامعه، مترجم: حسین بهروان، مشهد، انتشارات مشهد.

لاتین

- i. hathaway, Andrew D., & Erichson, Patricia G. A Tale of Two stimulant: An Analysis of Newspaper coverage of Cocaine and Tobacco in Canada, August 12, 2007.
- ii. Marij karimi the agony and the ecstasy : Drugs Media and Morality the control of Drugs and Drugs users : Reason or Reaction ?
Retrieved July 12 2007.



- iii. Smith Katherine clegg & et al .Good News About Smoking : How do US Newspapers Cover Tobacco Issue ? june 7.2007
- iv. Speaker . Susan L .phd creating a Monester : Newspaper and America`s Drugs Problem . Retrieved june 2.2007
- v. Stonkute Monica . DEVELOPMENTOF CIVIL RESPONSIBILITY IN DRUG ADDICTION PREVENTION PROGAMS . Retrieved Augus 22.2007.

